10.22034/jpl.2026.2088895.1047

Research Article

Jurisprudence and Private Law Quarterly, Vol. 2, No. 4, (Serial 8), Winter 2026

Feasibility of Leasing an Internet Domain Name from the Perspective of Iranian Jurisprudence and Statutory Law

Mohsen Shafiee[1]
Fatemeh Rahmatabadi[2]

Abstract:
As an emerging phenomenon in the digital age, despite its widespread application in e-commerce, the internet domain name still faces ambiguities regarding its legal nature and capacity to serve as the subject of traditional contracts, particularly the lease contract. This research, conducted through an analytical-descriptive method and utilizing library resources, seeks to answer whether an internet domain name is capable of being leased. The findings indicate that by distinguishing between the "subject" and "object" of the lease contract, and by adopting the composite theory based on "correspondence" regarding the nature of the domain name, it can be considered property that yields gradually exploitable and sustainable benefits. Accordingly, by invoking general jurisprudential proofs such as the absolute validity of lease proofs, the rule of dominion (al-nās musallaṭūn ʿalā amwālihim), and the principle of validity (aṣālat al-ṣiḥḥa), and by addressing raised challenges such as the lack of physical substance (ʿayniyyah) and uncertainty (gharar) through the explanation of "lease of right," the lease of an internet domain name is deemed valid and permissible from both jurisprudential and legal perspectives. The conclusion is that the general rules of lease are capable of applying to the financial rights arising from domain names, and the need for specific regulations in this area is felt.

Keywords: Domain Name, Lease Contract, Lease of Right, Immaterial Property, Proprietariness.

1. Assistant Professor, Chabahar Maritime University, Chabahar, I.R.Iran (Corresponding author).
m.shafiee@cmu.ac.ir
2. M.A. Student in Private Law, University of Qom, Qom, I.R.Iran.
f.rahmatabadi29@gmail.com

10.22034/jpl.2026.2088895.1047

مقاله پژوهشی

فصلنامه فقه و حقوق خصوصی
سال دوم، شماره چهارم (پیاپی ۸)، زمستان ۱٤۰٤
(صص. ۷۹-۱۰۰)

امکان‌سنجی اجاره نام دامنه اینترنتی از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران

محسن شفیعی[۱]
فاطمه رحمت‌آبادی[۲]

چکیده:

نام دامنه اینترنتی به‌عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور در عصر دیجیتال، علی‌رغم کاربرد گسترده در تجارت الکترونیک، همچنان از حیث ماهیت حقوقی و موضوعیت در عقود سنتی، خصوصاً عقد اجاره، با ابهاماتی مواجه است. این پژوهش که با روش انتقادی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته، درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا نام دامنه اینترنتی قابلیت اجاره دارد یا خیر؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با تفکیک «موضوع» و «مورد» عقد اجاره و با پذیرش نظریه مرکّب مبتنی بر «تناظر» در ماهیت نام دامنه، می‌توان آن را مالی تلقّی کرد که دارای منافع قابل بهره‌برداری تدریجی و باثبات است. براین‌اساس، با استناد به ادلّه عامّ فقهی همچون اطلاق ادلّه صحّت اجاره و قاعده تسلیط و با پاسخ به چالش‌های احتمالی نظیر فقدان عینیت و غرر از طریق تبیین «اجاره حق»، اجاره‌نام دامنه اینترنتی از نظر فقهی و حقوقی معتبر و جایز است. نتیجه آنکه قواعد عمومی اجاره قابلیت انطباق بر حقوق مالی ناشی از نام دامنه را داشته و نیاز به تنظیم مقرّرات خاص در این زمینه احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نام دامنه، عقد اجاره، اجاره حق، مال غیرمادّی، مالیت.

۱. استادیار دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، چابهار، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
m.shafiee@cmu.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران.
f.rahmatabadi29@gmail.com

مقدمه

با گسترش تجارت الکترونیک، دارایی‌های نامشهود نقش فزاینده‌ای در نظام حقوقی یافته‌اند. یکی از مهم‌ترین این دارایی‌ها، نام دامنه اینترنتی است که به‌عنوان شناسه منحصربه‌فرد هر تارنما، علاوه‌بر کارکرد فنی، دارای ارزش تجاری قابل‌توجهی است. علی‌رغم کاربرد گسترده این پدیده، نظام حقوقی ایران هنوز با ابهاماتی درخصوص ماهیت حقوقی نام دامنه و به‌تبع آن، امکان انعقاد برخی عقود سنّتی بر آن مواجه است.

ازجمله عقودی که کاربرد آن در مورد نام دامنه می‌تواند مفید واقع شود، عقد اجاره است. پرسش اساسی آن است که آیا می‌توان منافع اقتصادی یک نام دامنه معتبر را برای مدت معیّنی به شخص دیگری واگذار نمود؟ این پرسش از آن‌جهت اهمیت دارد که بسیاری از فعّالان اقتصادی تمایل دارند بدون انتقال کامل نام دامنه، صرفاً از موقعیت و شهرت آن برای مدت محدودی بهره ببرند.

بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که پژوهش مستقیم و مستقل درخصوص اجاره‌نام دامنه در حقوق ایران بسیار محدود است. حبیب‌زاده (۱۳۹۸) با استناد به فقدان عینیت و ماده ۴۶۷ قانون مدنی، اجاره‌نام دامنه را رد کرده است؛ اما تحلیل خود را به «اجاره عین» محدود نموده و «اجاره حق» را بررسی نکرده است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۹۰). صادقی نشاط (۱۳۹۳) با قیاس نام دامنه با حق کسب و پیشه، امکان اجاره را مطرح کرده؛ اما تحلیل فقهی عمیقی ارائه نداده و به چالش غرر پاسخ نداده است. ارزانیان و ایزدی (۱۳۹۷) گزارش کرده‌اند که جمعی از نویسندگان، اجاره‌نام دامنه را صحیح می‌دانند؛ اما این گزارش بدون تحلیل نظام‌مند و صرفاً توصیفی است (ارزانیان و ایزدی، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۳).

پژوهش‌های پیشین به‌طور نظام‌مند به تحلیل فقهی ـ حقوقی اجاره‌نام دامنه نپرداخته و به چهار چالش اصلی پاسخ نداده‌اند: الف) فقدان عینیت، ب) عدم امکان تفکیک عین و منفعت در حقوق غیرمادّی، پ) غرر و جهالت منفعت، ت) فقدان نص خاص.

این پژوهش از چند جهت نسبت به مطالعات پیشین نوآورانه است:

یکم: ارائه نظریه «اجاره حق» به‌عنوان راهکاری میانی برای حلّ چالش فقدان عینیت. براین‌اساس، آنچه در اجاره‌نام دامنه تملیک می‌شود، «منفعت ناشی از حقّ استفاده انحصاری از نام دامنه» است، نه منفعتی که از عین خارجی گرفته شود.

دوم: انتخاب نظریه مرکّب (تناظر) در ماهیت نام دامنه و تفکیک میان دامنه‌های دارای تناظر با علائم مشهور و فاقد آن، به‌عنوان مبنای تحلیل فقهی ـ حقوقی اجاره.

سوم: پاسخ نظام‌مند به چهار چالش اصلی (فقدان عینیت، عدم تفکیک عین و منفعت، غرر و

جهالت منفعت، فقدان نصّ خاص) به‌ویژه با تفکیک «جهل به مقدار» از «جهل به موضوع» و قیاس با مزارعه و مساقات.

چهارم: ارائه پیشنهادهای تقنینی و اجرایی مشخص (اصلاح قانون مدنی، قرارداد استاندارد، نظام ثبت اجاره‌نامه).

پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا اجاره‌نام دامنه اینترنتی از منظر فقه و حقوق ایران جایز است؟ فرضیه نویسنده بر آن است که با پذیرش نظریه «اجاره حق» و تفکیک میان «موضوع» و «مورد» عقد اجاره، می‌توان اجاره‌نام دامنه را از نظر فقهی و حقوقی معتبر دانست.

این پژوهش با روش تحلیلی ـ انتقادی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. ساختار مقاله بدین‌ترتیب است: پس از مقدمه، مبانی نظری پژوهش (ماهیت اجاره، تفکیک موضوع و مورد، مفهوم حق و مال، ماهیت نام دامنه) تبیین می‌گردد، سپس دلایل پذیرش و چالش‌های اجاره‌نام دامنه بررسی و درنهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

درخصوص تعریف و شرایط عقد اجاره، بحث‌های مبسوط و عمیقی در کتب اساتید حقوقی انجام شده است. با عنایت به گستردگی این مباحث، در این قسمت صرفاً به بخش‌هایی پرداخته می‌شود که بازتعریف آن‌ها در بحث اجاره‌نام دامنه اینترنتی ضروری بوده و مقدمات استدلال برای اثبات صحّت اجاره‌نام دامنه را فراهم می‌آورد. به همین جهت، ابتدا به ذکر چند نظر درخصوص ماهیت اجاره پرداخته می‌شود، سپس به تبیین «مورد» و «موضوع» عقد اجاره پرداخته می‌شود تا جایگاه «منفعت» در این عقد مشخص گردد. در گام بعدی، مفهوم «حق» و ماهیت آن تحلیل می‌شود تا روشن گردد که آیا منفعت می‌تواند مبتنی بر یک امر غیرمادّی (حق مالی) باشد یا خیر؟ سپس مفهوم «مال» و سیر تحول آن بررسی می‌گردد و درنهایت به تحلیل ماهیت حقوقی «نام دامنه» پرداخته می‌شود تا مشخص گردد که آیا «نام دامنه» یا به بیان دقیق‌تر، «حق مالی ناشی از نام دامنه اینترنتی» می‌تواند به‌عنوان پایگاه منفعت در عقد اجاره پذیرفته شود یا نه؟

۱-۱. ماهیت عقد اجاره

در مادّه ۴۶۶ قانون مدنی، عقد اجاره این‌گونه تعریف شده است: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره‌دهنده را مؤجر و اجاره‌کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند».

اما از نظر بسیاری از اندیشمندان حقوقی، تعریف مزبور ایراداتی دارد ازجمله آن‌ها عدم توجه

قانون‌گذار به وصف معوّض و موقّت‌بودن عقد اجاره است؛ بنابراین بعضی از حقوق‌دانان تعاریف دیگری از عقد اجاره در کتب خود آورده‌اند: «اجاره عقدی است معوّض، بین مفید و مستفید در رابطه با مدت آن، خواه موجب تملیک منافع باشد یا تسلیط بر انتفاع» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۸۵۱).

برخی از حقوق‌دانان معاصر قائل شده‌اند: «ماده ۴۶۶ عقد اجاره را تعریف نکرده و فقط اثر آن را بیان کرده است؛ بنابراین اجاره عقدی است که به موجب آن مالیت منافع عین مال در مدت معیّن به دیگری منتقل می‌شود» (ملکوتی، ۱۳۹۷: ۲۱۶).

برخی دیگر گفته‌اند: «اجاره قراردادی است که به موجب آن حق انتفاع از اموال یا خدماتی در مقابل عوض معیّن و برای مدتی محدود و معیّن به شخصی واگذار می‌شود» (امامی، ۱۳۹۷: ۲۹).

در متون فقهی گفته شده است: «اجاره عقدی است که متعلق آن تملیک منفعت معلوم در مقابل عوض معلوم است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۳۲۷).

برخی دیگر از فقهای بزرگ با رویکردی متفاوت قائل به تسلیطی‌بودن اجاره شده‌اند و در تعریف اجاره گفته‌اند: «اجاره، تملیک عمل یا منفعت به عوض است و ممکن است گفته شود حقیقت اجاره، تسلیط بر عین است برای انتفاع از آن در مقابل عوض» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۷۶).

در این پژوهش، اجاره با رویکرد تملیکی بررسی شده است. در هرصورت، چه حقیقت اجاره تملیک باشد چه تسلیط، عوضین و مورد عقد در عقد اجاره، منفعت و اجاره‌بها هستند و بحث اصلی این پژوهش مرتبط به مورد عقد اجاره است نه تملیکی یا تسلیطی‌بودن آن؛ بنابراین به بحث تملیکی یا تسلیطی‌بودن ماهیت اجاره پرداخته نمی‌شود و جهت جلوگیری از تکرار، مستقیماً به محلّ بحث پرداخته شده و از ذکر سایر نکات مربوط به اجاره پرهیز می‌شود.

۱-۲. مورد عقد اجاره و موضوع عقد اجاره

یکی از مهم‌ترین مباحث در تحلیل عقد اجاره، تفکیک میان «موضوع» و «مورد» عقد است. این تفکیک که در متون حقوقی معاصر بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته، نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص ماهیت عقد اجاره و قلمرو شمول آن دارد.

یکی از نویسندگان در این زمینه، میان «موضوع عقد» و «مورد معامله» تفکیک قائل می‌شود. به اعتقاد وی: «عقد به معنای توافق به‌منظور ایجاد اثر یا آثار حقوقی است. این توافق ابتدا به عملی حقوقی تعلق می‌گیرد که آن، موضوع عقد نامیده می‌شود. عمل حقوقی نیز به‌نوبه‌خود به مال یا عملی تعلق می‌گیرد که به آن، مورد معامله گفته می‌شود؛ به‌عنوان‌مثال در عقد بیع، تملیک و تملک، موضوع عقد است و مبیع و ثمن، مورد معامله» (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۳: ۱).

با تطبیق این تحلیل بر عقد اجاره، می‌توان گفت که «موضوع عقد اجاره» تملیک و تملک است؛ درحالی‌که «مورد عقد اجاره» منفعت و مال‌الاجاره هستند. آنچه در این میان حائز اهمیت بسیار است، آن است که «عین مستأجره» (مالی که منافع از آن کسب می‌شود) نه موضوع عقد است و نه مورد آن، بلکه صرفاً محل و منبع ایجاد منفعت محسوب می‌گردد.

بررسی عبارات حقوق‌دانان نشان می‌دهد که بسیاری از آنان اگرچه در مقام بیان، بین «موضوع» و «مورد» عقد اجاره تفاوتی قائل نشده‌اند و این دو واژه را در بسیاری موارد به‌جای یکدیگر استعمال کرده‌اند؛ اما بر این نکته کلیدی تأکید داشته‌اند که در عقد اجاره، آنچه حقیقتاً مورد معامله قرار می‌گیرد، «منفعت» است و ذکر «عین» به‌عنوان مورد اجاره از باب مسامحه و تغلیب است. این تلقی نه‌تنها در میان اساتید برجسته حقوق سنتی مطرح بوده، بلکه در میان حقوق‌دانان جوان‌تر نیز مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است.

استاد کاتوزیان در این‌باره می‌نویسد: «هدف عقد اجاره تملیک منافع در برابر عوض به مستأجر است، به دلیل اینکه راه عرفی تملیک منفعت، در اختیارگذاشتن عین مال به طرف عقد است؛ با مسامحه به آن شیء (عین مستأجره) نیز موضوع اجاره می‌گویند» (کاتوزیان، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۳۷).

دکتر امامی نیز استاد پیشکسوت دیگری است که در این‌باره چنین می‌نگارد: «موضوع قرارداد اجاره منافعی است که از ملکیت موجر به ملکیت مستأجر با عقد اجاره منتقل می‌گردد؛ ولی چون غالباً منفعت از عین مال منقول یا غیرمنقول و حیوانات منتزع و مورد استفاده مستأجر قرار می‌گیرد و باید مورد اجاره در اختیار مستأجر باشد، آن را عرفاً و قانوناً عین مستأجره نامیده‌اند. بااین‌ترتیب، مورد اجاره، مالی است که برای انتفاع‌بردن مستأجر در اختیار وی قرار می‌گیرد؛ ولی موضوع اجاره منافعی است که از مورد اجاره به‌دست می‌آید و با قرارداد اجاره به مستأجر منتقل می‌شود. اصولاً هر مالی که قابلیت بیع یا عاریه‌دادن داشته باشد، قابلیت اجاره‌دادن را نیز دارد مگر اینکه انتفاع از آن‌ها همراه با بقای عین ممکن نباشد» (امامی، ۱۳۴۰، ج ۲: ۳۹-۴۰).

این برداشت در آثار نویسندگان جوان‌تر نیز به‌وضوح دیده می‌شود. در یکی از این موارد چنین می‌خوانیم: «در عقد اجاره، مورد اجاره منفعت مال است نه عین مال؛ اگرچه از عین مستأجره به‌عنوان موضوع عقد اجاره یاد می‌شود، ولی این تلقّی، مجازی است و درحقیقت، موضوع عقد اجاره، منفعت عین است نه خود عین. عین را موضوع عقد می‌دانند به این دلیل که منفعت، خود وجود مستقل ندارد و به‌تبع در گذر زمان ایجاد می‌شود. به ناچار آنچه بیش‌تر موضوع سخن قرار می‌گیرد عین مال است، وگرنه آنچه مقصود طرفین است و مالیت آن به موجب عقد به مستأجر منتقل می‌شود، منفعت است» (ملکوتی، ۱۳۹۷: ۲۲۶).

از مسیر تحلیل «موضوع» و «مورد» عقد اجاره و با توجه به دیدگاه اساتید صاحب‌نام می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه بسیاری از حقوق‌دانان در بیان خود بین واژهٔ «موضوع» و «مورد اجاره» تفاوتی قائل نشده‌اند؛ اما قائل به این امر هستند که مورد اصلی عقد اجاره، منفعت است، ولی وجود عین به‌عنوان محلّ ظهور منفعت را ضروری می‌دانند. دلیل تأکید بر عین مادّی به‌عنوان بستر منفعت آن است که منفعت، وجودی مستقل و قائم به خود ندارد و برای ظهور و بهره‌برداری نیازمند ظرفی است که همان عین باشد و منفعت به‌تدریج از آن عین تراوش کند. همچنین شرط اساسی اجاره، بقای عین در کنار انتفاع از آن است تا مالیت موجر بر اصل مال پس از پایان مدت اجاره باقی بماند و عین مادّی به دلیل دوام فیزیکی خود، این ویژگی را داراست (ملکوتی، ۱۳۹۷: ۲۲۵؛ جماعتی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج۴: ۲۵). اما با تعمیم منطق حقوقی ایشان، می‌توان گفت ملاک اصلی برای اجاره، مادّی بودن شیء نیست بلکه هر مالی که بتواند دو ویژگی اساسی را داشته باشد، قابل اجاره است: نخست، منافع آن به‌صورت تدریجی و در بازه‌های زمانی قابل بهره‌برداری باشد و دوم، انتفاع از آن مستلزم تلف‌شدن خود مال نباشد.

۱-۳. تحلیل مفهوم حق و ماهیت آن

پس از تبیین ارکان اجاره، نوبت به تحلیل مفهوم «حق» می‌رسد. «حق» در اصطلاح حقوقی، «توانایی یا اختیاری است که قانون برای شخص در برابر دیگری یا دیگران به‌رسمیت می‌شناسد» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۶۱). درخصوص ماهیت حق، نظریات مختلفی در فقه و حقوق مطرح شده است که هریک تلاش می‌کنند این مفهوم انتزاعی و درعین‌حال پُرکاربرد را تبیین نمایند. در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۳-۱. نظریه سلطنت

برخی حق را به «سلطنت» تعریف کرده‌اند. شیخ انصاری با تعبیر «إنَّ هذا حَقٌّ سَلْطَنَةٍ فِعْلِيَّةٍ» و سید یزدی با عبارت «الحَقُّ نَوْعٌ مِنَ السَّلْطَنَةِ» از قائلان این نظریه محسوب می‌شوند (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج۱: ۳۰۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج۲: ۵۶). بر اساس این دیدگاه، حق عبارت از نوعی سلطه و توانایی اعمال قدرت بر یک شیء یا شخص است. برخی دیگر از طرفداران این نظریه معتقدند که حق همانند مالیت، نوعی سلطه است، با این تفاوت که سلطه ناشی از حق، محدودتر از سلطه ناشی از مالیت است (نائینی، ۱۴۱۳ق: ۹۲).

این نظریه با نقدهای جدّی مواجه شده است. آخوند خراسانی در حاشیهٔ خود بر مکاسب، با تمایز نهادن بین ماهیت حق و آثار آن، اشکال کرده که سلطنت، حقیقت حق نیست بلکه از آثار

حق به‌شمار می‌رود. به‌بیان‌دیگر، همان‌گونه‌که در مالیت، سلطنت از آثار مالیت محسوب می‌شود نه ذات آن، در حق نیز چنین است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ق: ۴).

۱-۳-۲. نظریه ملک ضعیف

برخی دیگر حق را «ملک ضعیف» دانسته‌اند. طرفداران این نظریه معتقدند که حق درواقع همان مالیت است؛ اما در مرتبه‌ای نازل و ضعیف‌تر که تنها برخی از آثار محدود مالیت را داراست. بر اساس این دیدگاه، حق و ملک هر دو از یک جنس هستند؛ اما حق، مرتبه نازل‌تری از ملک محسوب می‌شود (نائینی، ۱۴۱۳ق: ۹۲).

این دیدگاه نیز اگرچه در نگاه نخست قابل قبول می‌نماید؛ اما با نقدهای جدّی مواجه شده است. امام خمینی(رحمت‌الله‌علیه) در نقد این نظریه، با استناد به ادراک عرفی، تصریح می‌کنند: «مردم در گفتگوهای روزمره به‌طور طبیعی میان حق و مالیت تفاوت قائل می‌شوند و حق را صرفاً یک «مالیت ضعیف» در نظر نمی‌گیرند؛ به‌عنوان‌نمونه، وقتی فردی در مکانی از مسجد یا زمین موقوفه پیشدستی کند، هیچ‌گونه مالیتی پیدا نمی‌کند، ولی همگان می‌پذیرند که او نسبت به دیگران «سزاوارتر» است و حقی برایش به‌رسمیت شناخته می‌شود. همچنین اگر کسی جوی آبی حفر کند و آن را به رودخانه برساند، تا پیش از ورود آب به جوی، مالک آب محسوب نمی‌شود؛ اما دارای «حق بهره‌برداری» است. این نمونه‌ها به‌وضوح نشان می‌دهد که «حق» مفهومی کاملاً مستقل از «مالیت» است» (خمینی، ۱۳۹۲، ج۱: ۳۲-۴۵).

۱-۳-۳. نظریه اعتبار خاص

محقّق اصفهانی قائل به نظریه «اعتبار خاص» شده و حق را یک اعتبار شرعی مستقل تلقّی کرده است که به‌تبع آن، آثارش نیز محقق می‌گردد (اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ج۱: ۴۴). در این دیدگاه، حق یک وجود عینی و مستقل در عالم خارج ندارد بلکه مفهومی است که شارع برای تنظیم روابط اجتماعی و دستیابی به اهداف خاص می‌آفریند. این اعتباریات اگرچه در عالم خارج وجود فیزیکی ندارند؛ اما آثاری کاملاً واقعی و الزام‌آور در عالم حقوق و تکالیف به‌دنبال می‌آورند.

نکته کلیدی در نظریه محقّق اصفهانی آن است که هر حق، خودبه‌خود آثارش را در پی دارد و نیازی به اعتبار جداگانه برای آثار آن نیست. این همان «تلازم ذاتی بین اعتبار و اثر» است؛ برای‌مثال، همین که «ولایت» برای پدر اعتبار شد، همان به‌تنهایی مجوّز تصرّف او در اموال فرزند نیز هست. یا وقتی «اولویت» در احیای زمین برای محجِّر ثابت شد، همین امر به‌طور خودکار دیگران را از مزاحمت منع می‌کند.

در نقد نظریه وی گفته شده است: «اینکه برای حق در مواضع مختلف، معانی مختلفی در نظر گرفته شود را نه عقل می‌پذیرد و نه عرف. به‌بیان‌دیگر، اعتبار در حقوق مختلف نیست، اگرچه متعلّق‌های آن‌ها متفاوت است و آنچه محقّق اصفهانی به‌عنوان‌مثال ذکر کرده است ـ مانند ولایت، تولیت و مانند آن‌ها ـ هیچ‌یک از آن‌ها از حقوق نیستند بلکه آن‌ها اعتبارات دیگری غیر از «حق» و «مالک» و «سلطنت» هستند؛ بنابراین، «ولایت» و «وصایت» از اعتباراتی هستند که به ذات خود جعل شده‌اند و به «حق» مرتبط نیستند. پس قول به اینکه همه موارد مذکور از حقوق هستند و التزام به اینکه حق در هر مورد معنای جداگانه‌ای دارد، درنهایت اشکال دارد و مخالف با ارتکاز عقلا و عرف است» (خمینی، ۱۳۶۸، ج۱: ۳۲).

در جواب این نقد می‌توان گفت از نظر محقّق اصفهانی، حق در همه‌جا یک معنا دارد؛ اما نکته این است که وی حق را همیشه محتاج به مضافٌ‌الیه و متعلّق می‌داند و اضافه آن را اضافه بیانیه می‌خواند و پیوند حق را با مضافٌ‌الیه‌اش چنان ناگسستنی می‌بیند که معتقد است حق بدون مضافٌ‌الیه قابل تصور نیست. این رویکرد با این فرض که «اساساً برای حق در هر مورد معنای مختلفی در نظر بگیریم» تفاوت اساسی دارد (ثقفی، ۱۴۰۱: ۶۱).

۱-۳-٤. نظریه ترکیبی ثبوت و اولویت

در این دیدگاه، حق عبارت است از «امری ثابت که برای شخص، نوعی اولویت و شایستگی ایجاد می‌کند». این تعریف هم حقوق مالی؛ مانند حقّ اختراع و هم حقوق غیرمالی مانند حقّ والد را در برمی‌گیرد (مدرسی، ۱۳۹۳، ج۱: ۱۴۳).

بعد اولویت و شایستگی در حق، به صاحب آن نوعی امتیاز و نفع شخصی اعطا می‌کند و اگر این نفع و امتیاز دارای جلوه اقتصادی باشد، حق به‌طور طبیعی دارای ارزش مالی و اقتصادی می‌شود. درواقع، همان عنصر اولویت و ترجیحی که در ماهیت حق نهفته، در عرصه اقتصاد به‌صورت یک دارایی با قیمت و ارزش مبادله‌ای ظاهر می‌گردد.

از طرفی به نظر می‌رسد این نظریه، بیان دیگری از نظریه اعتبار خاصّ محقّق اصفهانی باشد، چراکه در هر دو نظریه، حق، ثبوتی است که وابسته به متعلّقش است و از این‌جهت نوعی اولویت برای صاحب آن به‌وجود می‌آورد. در هرصورت، با پذیرش این نظریه به‌عنوان نظریه برگزیده و بیان دیگر نظریه محقّق اصفهانی، می‌توان نتیجه گرفت که حق می‌تواند واجد مالیت باشد؛ البته این بدان‌معنا نیست که همه حقوق، مالی هستند بلکه حقوقی که متعلّق آن‌ها دارای ارزش اقتصادی است و عرفاً مورد رغبت هستند، به‌تبع آن واجد مالیت خواهند شد.

۱-٤. مفهوم مال و سیر تحول آن

برای تحلیل امکان اجاره‌نام دامنه، درک صحیح از مفهوم «مال» و تحول آن ضروری است. مالیت یک مفهوم عرفی است، نه شرعی یا قانونی؛ چون در شرع و قانون، تعریفی از مال به‌طور کامل و حصری ارائه نشده است؛ بنابراین لفظ «مال» به هرچیزی که عرف آن را مال بداند اطلاق می‌شود. عرف جامعه تعیین می‌کند که چه‌چیزی مال است و چه‌چیزی مال نیست (عباسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶-۷).

حقوق‌دانان و فقها در تعریف مال، معیارهای مختلفی ارائه داده‌اند. برخی می‌گویند: «مال چیزی است که مورد میل و طلب خردمندان باشد، و در قبال آن، بها می‌پردازند» (خمینی، ۱۳۶۸، ج۱: ۲۰).

برخی دیگر می‌گویند: «مال آن چیزی است که ارزش اقتصادی داشته باشد و قابل تقویم به پول باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۵۹۲).

همچنین گفته شده: «کافی است در چیزی میل و رغبت مردم باشد و در مقابل آن پول (ولو اندک) بپردازند و حاضر باشند برای به‌دست‌آوردن آن متحمّل زحمت شوند» (شیرازی، ۱۳۷۰، ج۲: ۱۰۲).

در تعریف دیگر آمده است: «اصل پیدایش قیمت و مالیت، به این است که چیزی مطلوب و مورد تقاضای عقلا باشد و ندرت هم داشته باشد» (مدرسی، ۱۳۹۲: ۹۴).

در جای‌دیگر آمده است: «کفایت می‌کند در مالیت شیء اینکه عرفاً مورد رغبت عقلا باشد و متعلّق اغراض حلال و شرعی آن‌ها قرار گیرد» (خامنه‌ای، ۱۴۲۰ق، ج۲: ۷۳).

با جمع‌بندی تعاریف فقها و حقوق‌دانان، می‌توان ملاک‌های مالیت را به شرح زیر برشمرد:

- مطلوبیت: یک شیء تنها در صورتی مال محسوب می‌شود که مورد میل و رغبت حداقل بخشی از خردمندان باشد. شرط نیست که همه خردمندان آن را بخواهند؛ حتی رغبت یک فرد خردمند برای تحقّق مالیت کافی است.
- قابلیت مبادله: مال باید قابل معاوضه با پول یا کالای دیگر باشد. به‌بیان‌دیگر، افراد باید حاضر باشند در ازای آن، پول پرداخت کنند یا متحمّل زحمت شوند.
- کمیابی: شیء باید به اندازه‌ای محدود و نادر باشد که برای به‌دست‌آوردن آن نیاز به صرف منابع وجود داشته باشد.
- قابلیت تملّک: مال باید بتواند به شخص یا اشخاص خاصی اختصاص یابد و قابل مالیت انحصاری باشد.
- منشأ عرفی: مالیت یک مفهوم عرفی و عقلایی است و عرف جامعه تعیین می‌کند که چه‌چیزی

مال است و چه‌چیزی نیست.

- قابلیت استفاده مشروع: از نظر فقهی، مال باید متعلّق اغراض حلال و مشروع باشد و اگر چیزی هرچند برای عده‌ای ارزشمند باشد؛ اما از نظر شرعی ممنوع باشد، مال محسوب نمی‌گردد.

تحول تاریخی مفهوم مال نیز قابل تأمّل است. در مجمع البحرین طریحی آمده است که مال در اصل به دارایی از طلا و نقره گفته می‌شده، سپس این واژه به هرچیزی که انسان مالک آن باشد و در اختیار داشته باشد، اطلاق شده است. در میان اعراب، بیش‌تر منظور از مال، شتر بوده است؛ زیرا شتر بیش‌ترین دارایی آنان را تشکیل می‌داده (طریحی، ۱۴۲۸ق: ۳۰۲). این تحول تاریخی نشان می‌دهد که مفهوم مال تابع نیازها و تمایلات بشری است. اگر در گذشته، مال تنها به طلا و نقره و سپس به شتر اطلاق می‌شد، امروزه دارایی‌های غیرمادّی نیز در زمره اموال قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، حقوق مالی، امروزه در زمره اموال به‌شمار می‌آیند و می‌توانند موضوع عقود مختلف ازجمله اجاره واقع شوند.

۱-۵. مفهوم نام دامنه

برای درک درست موضوع، ابتدا باید تعریف روشنی از نام دامنه ارائه داد. نام دامنه، بخش خوانا و به‌خاطرسپردنی یک نشانی اینترنتی است که کاربران به‌جای به خاطر سپردن رشته‌های پیچیده اعداد (آدرس‌های IP)، از آن برای دسترسی به تارنماها یا سایر منابع شبکه استفاده می‌کنند. از منظر فنی، هر آدرس اینترنتی کامل از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

نخست، «نام دامنه» که بخش انتخابی و خاص بوده و معرف هویت، فعالیت یا نام دارنده است، مانند کلمه «google» در آدرس google.com .

دوم، «دامنه سطح بالا» که پسوندی است در انتهای آدرس و معمولاً نشان‌دهندهٔ نوع فعالیت (مانند com. برای Commercial یا تجاری)، جغرافیا (مانند ir. برای ایران) یا سازمان (مانند org. برای سازمان‌ها) است.

یک ویژگی بنیادین و بسیار مهم در سیستم نام‌گذاری دامنه، اصل «انحصار» است. براین‌اساس، ثبت هر نام خاص در یک دامنه سطح بالای مشخص، کاملاً انحصاری است. به‌عبارت‌دیگر، تنها یک شخص یا نهاد می‌تواند مالک و دارنده حق استفاده از ترکیب منحصربه‌فردی مانند «example.com» باشد. این انحصار قانونی و فنی، سنگ‌بنای ایجاد «حق» و به‌تبع آن، خلق ارزش برای دارنده نام دامنه است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۷۰).

۲. ماهیت نام دامنه

طبیعی است که در تحلیل ماهیت حقوقی پدیده‌ای نوظهور مانند نام دامنه، دیدگاه‌های مختلفی وجود داشته باشد. به‌طورکلی، می‌توان سه دیدگاه عمده را از یکدیگر متمایز کرد:

۱- نظریه‌ای که نام دامنه را صرفاً یک «مال» می‌داند (اما در اینکه چه نوع مالی است ـ عین است یا حق و اگر حق است، حقّ عینی است یا حقّ دینی ـ عاجز می‌ماند).

۲- نظریه‌ای که آن را ذیل «مالکیت فکری» و مشابه با علامت تجاری تحلیل می‌کند.

۳- درنهایت، «نظریه مرکّب با تکیه بر مفهوم تناظر» که به‌عنوان راه‌حلی میانی و جامع‌تر ارائه شده است.

هدف آن است که پس از تبیین و نقد هریک از این دیدگاه‌ها با استناد به منابع معتبر، روشن شود کدام تحلیل، توانایی بیش‌تری در تبیین پیچیدگی‌های واقعی این پدیده و ارائه راهکارهای عملی برای مسائل حقوقی ناشی از آن دارد.

۲-۱. نقدوبررسی نظریه مال‌بودن صرف

در برابر پرسش از ماهیت حقوقی این پدیدهٔ منحصربه‌فرد، نخستین و مستقیم‌ترین پاسخ، نظریه «مال‌بودن» نام دامنه است. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که نام دامنه واجد همه معیارهای یک «مال» در اصطلاح حقوقی است. این معیارها عمدتاً شامل دارابودن «ارزش اقتصادی»، «قابلیت تملّک» و «قابلیت نقل و انتقال» می‌شوند. حتی اگر فعالیت مرتبط با یک نام دامنه کاملاً غیرانتفاعی باشد، خود آن نام دامنه به دلیل انحصار و امکان داشتن ارزش در آینده، می‌تواند دارایی محسوب شود (سجادی و حیدری، ۱۴۰۲: ۴۸۶). همچنین، قابلیت تملّک انحصاری و نقل و انتقال آزادانه آن در بازار، مؤیّد مال بودن آن است (ارزانیان و ایزدی، ۱۳۹۷: ۶۲). اما این دیدگاه، با وجود منطقی به نظررسیدن، ناقص است.

نقدوبررسی: طرفداران این نظریه بر این باورند که نام دامنه، فارغ از هر چیز دیگر، یک دارایی مستقل است که عرف تجاری جهانی آن را به‌رسمیت شناخته و دادوستد می‌کند؛ اما در اینکه «چه نوع مالی» است، نظر قابل‌توجهی ارائه نمی‌دهند.

اشکال دیگر به این نظریه، نادیده گرفتن «پیوند ذاتی و گاه اجتناب‌ناپذیر نام دامنه با حقوق مالکیت فکری به‌ویژه علائم تجاری» است. این نظریه نمی‌تواند توضیح دهد که چرا ثبت نام دامنه‌ای مانند «apple.com» توسط شخصی غیر از شرکت اپل، به‌رغم دارابودن شرایط مال، اقدامی نادرست و تعرّض به حق دیگری شناخته می‌شود. به‌بیان‌دیگر، این دیدگاه به بُعد دارایی و اقتصادی نام دامنه توجه دارد؛ اما از کارکرد مهم آن به‌عنوان «نشانه و شناساگر» و امکان تداخل شدید آن با حقوق از پیش‌موجود غافل می‌ماند.

۲-۲. نقدوبررسی نظریه مال مرتبط با اموال فکری (علامت تجاری)

دیدگاه دوم، نام دامنه را اساساً ذیل مفهوم «مالکیت فکری» و به‌طور مشخص، مشابه یا مرتبط با «علامت تجاری» تحلیل می‌کند. مبنای این استدلال، شباهت کارکردی نام دامنه و علامت تجاری است. هر دو وسیله‌ای برای شناسایی و تمایز یک فعّال اقتصادی یا محصولات و خدمات او در ذهن مشتریان هستند. یک نام دامنه معتبر، می‌تواند شهرت و اعتبار یک برند را در فضای مجازی منعکس و حمل کند (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). حتی قانون‌گذار ایرانی در ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیکی، با منع «سوءاستفاده از علائم تجاری به‌صورت نام دامنه»، به‌نوعی این ارتباط را به رسمیت شناخته است.

نقدوبررسی: با این حال، این دیدگاه نیز با چالش‌های جدّی و احتمالاً بزرگ‌تری روبه‌رو است:

نخست؛ آنکه نام دامنه و علامت تجاری تفاوت‌های ماهوی بسیار مهمی دارند. نام دامنه دارای ماهیت «جهانی» و «منحصربه‌فرد مطلق» است. در کل جهان، تنها یک نفر می‌تواند مالک «book.com» باشد. اما علامت تجاری می‌تواند به‌صورت «محلّی» و در «طبقات مختلف کالا و خدمات» (مثلاً لوازم الکترونیکی و پوشاک) به افراد یا شرکت‌های متفاوتی تعلق گیرد.

دوم، نام دامنه لزوماً «تمایزبخش» به معنای حقوقی علامت تجاری نیست. ثبت دامنه‌های عمومی و توصیفی (مانند car.ir یا shop.com) که فاقد عنصر ابتکار و تمایز هستند، امکان‌پذیر است، درحالی‌که ثبت چنین علائم تجاری معمولاً ممکن نیست. تشریفات ثبت و تمدید نام دامنه نیز با پیچیدگی‌ها و سیستم اداری ثبت علائم تجاری کاملاً متفاوت است (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

سوم، مراجع بین‌المللی تخصصی مانند سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)، نام دامنه را به‌عنوان یک رده مستقل در طبقه‌بندی اموال فکری به‌رسمیت نشناخته‌اند (نظام‌الملکی و صادقی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۸).

چهارم، شمول عنوان مالکیت فکری بر همه نام‌های دامنه نادرست به نظر می‌رسد. هزاران نام دامنه برای تارنماهای شخصی، وبلاگ‌ها، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی غیرتجاری، مؤسّسات خیریه و فعّالیت‌های فرهنگی ـ آموزشی ثبت می‌شوند که هیچ سنخیتی با مفهوم تجاری و انحصاری علامت تجاری ندارند.

۲-۳. بررسی نظریه مرکّب با تکیه بر مفهوم تناظر

در مواجهه با کاستی‌های هر دو نظریه فوق، طاهر حبیب‌زاده «نظریه مرکب با تکیه بر مفهوم تناظر» را به‌عنوان راه‌حلی جامع‌تر و انعطاف‌پذیرتر ارائه می‌دهد. هسته مرکزی این نظریه، مفهوم «تناظر» است. به‌بیان‌ساده، پرسش کلیدی این است: آیا بین نام دامنه ثبت‌شده و یک «نام، علامت یا عنوان

دارای شهرت پیشین» در دنیای فیزیکی یا حتی مجازی، ارتباط و همخوانی معناداری وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش، نام‌های دامنه را به دو دستهٔ کاملاً متمایز تقسیم می‌کند:

دسته نخست، «نام‌های دامنه دارای تناظر با علامت یا نام مشهور» هستند. در این حالت، نام دامنه بلافاصله و به وضوح، ذهن مخاطب را به یک حق فکری شناخته‌شده (مانند یک برند معروف، نام یک شخصیت مشهور یا عنوان یک نهاد شناخته‌شده) معطوف می‌سازد. مثال واضح آن، ثبت دامنه‌ای مانند «samsung.com» توسط فردی غیر از گروه سامسونگ است. در اینجا، نام دامنه خود یک دارایی مستقل خلق‌شده توسط ثبت‌کننده نیست بلکه صرفاً «حامل» و «انعکاس‌دهنده» شهرت و اعتبار از پیش‌موجود دیگری است؛ بنابراین، منطقی است که قواعد حاکم بر مالکیت فکری، ازجمله منع سوءاستفاده، ایجاد فریب و سلب حق از صاحب اصلی، بر آن حکومت کند. اگر شخص ثالثی چنین دامنه‌ای را ثبت کند، عمل او می‌تواند مشتریان را گمراه کند و به شهرت برند لطمه بزند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۲).

درمقابل، در دسته دوم، «نام‌های دامنه فاقد تناظر با علامت یا نام مشهور» قرار دارند. این‌ها نام‌هایی هستند که در زمان ثبت، هیچ ارتباط معناداری با یک شهرت یا حق فکری پیشین ندارند. ارزش آن‌ها ممکن است ناشی از خلاقیت در انتخاب، ترکیب خاصّ کلمات، سادگی یا شهرتی باشد که بعداً و در اثر فعّالیت‌های دارنده برای آن‌ها ایجاد می‌شود (مانند یک نام کاملاً جدید و ابتکاری برای یک استارت‌آپ). در این وضعیت، نام دامنه واقعاً یک «دارایی مستقل و جدید» محسوب می‌شود؛ بنابراین، منطقی است که ذیل مفهوم عام «مال» تحلیل شده و تابع قواعد عمومی اموال و قراردادها باشد. نقل و انتقال آن آزادانه‌تر است و ادعای نقض حقوق فکری در مورد آن موضوعیت ندارد (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۷۴). مالیت نام دامنه یا به‌عبارت‌بهتر «حق بر نام دامنه» با قرارداد به طرف مقابل منتقل می‌شود که این حق مالی قابل انتقال است و البته منافع مادّی هم دارد.

نظریه حبیب‌زاده با این تحلیل دوگانه و مبتنی بر واقعیت، عملاً نقاط ضعف دو نظریه پیشین را پوشش می‌دهد. در برابر نظریه مال‌بودن صرف، تأکید می‌کند که همه نام‌های دامنه یکسان آفریده نشده‌اند و برخی اساساً وامدار حقوق دیگران‌اند. در برابر نظریه مالکیت فکری، یادآور می‌شود که شمول سراسری این عنوان نادرست است و فقط مواردی که آن پیوند و تناظر خاص را دارند، شایسته چنین وصفی هستند. برتری‌های این نظریه چندجانبه است:

نخست، «انعطاف‌پذیری و واقع‌گرایی» آن است. این نظریه می‌تواند تنوع گستردهٔ نام‌های دامنه (از نام برندهای جهانی تا نام‌های شخصی و خلاقانه) را درک کند و برای هرکدام، نظام حقوقی متناسب‌تری را پیشنهاد دهد.

دوم، «کاربردی‌بودن» آن در حل اختلافات است. معیار «وجود تناظر و احتمال فریب» معیاری است نسبتاً عینی و قابل تشخیص برای مراجع حل اختلاف که به آن‌ها کمک می‌کند بین یک ثبت مشروع و یک سوءاستفاده سودجویانه تمایز قائل شوند.

سوم، «هماهنگی با مقررات موجود» است. این نظریه به‌خوبی با روح حاکم بر ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیکی که ناظر بر موارد سوءاستفاده است، همخوانی دارد؛ زیرا سوءاستفاده دقیقاً در جایی معنا می‌یابد که آن «تناظر» موجبات «فریب» را فراهم کند.

۳. امکان‌سنجی اجاره‌نام دامنه

با توجه به آنچه پیش‌تر بیان شد، ممکن است پرسشی مطرح شود که اگر نام دامنه یک «دارایی» است، آیا می‌توان، مانند یک ملک تجاری، منافع و موقعیت اقتصادی یک نام دامنه را برای مدت معیّنی به دیگری «اجاره» داد؟

۳-۱. دلایل پذیرش اجاره‌نام دامنه

در این قسمت، دلایل پذیرش اجاره‌نام دامنه برشمرده می‌شود.

۳-۱-۱. مالیت نام دامنه

آیا نام دامنه با چنین ویژگی‌هایی، واجد شرایط «مال» است؟ در حقوق، برای تشخیص مال‌بودن یک شیء یا حق، معیارهای مشخصی وجود دارد. سه معیار اصلی عبارت‌اند از: دارابودن ارزش اقتصادی، قابلیت تملّک توسط شخص یا اشخاص معیّن و قابلیت نقل‌وانتقال. بررسی دقیق نشان می‌دهد که نام دامنه اینترنتی به‌وضوح واجد هر سه این شرایط است (سجادی و حیدری، ۱۴۰۱: ۴۸۶).

الف) ارزش اقتصادی

شواهد آشکاری وجود دارد. امروزه بازارهای تخصصی و بین‌المللی فعّالی برای خرید و فروش نام‌های دامنه شکل گرفته است و قیمت برخی از این نام‌ها به‌دلیل شهرت، سادگی، یا ارتباط با کلمات کلیدی پُرجستجو، به رقم‌های بسیار بالایی می‌رسد. این ارزش اقتصادی صرفاً ناشی از کارکرد فنی نام دامنه نیست بلکه ریشه در کارکرد دوم آن، یعنی نقش شناسایی‌گری و تجاری دارد. یک نام دامنه مناسب می‌تواند معرف شهرت، اعتبار، کیفیت خدمات و هویت یک کسب‌وکار در فضای بی‌کران اینترنت باشد (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). گاه ارزش اقتصادی یک نام دامنه معروف و پربازدید، حتی از دارایی‌های مادّی و فیزیکی یک بنگاه تجاری نیز پیشی می‌گیرد (نظام‌الملکی و دیگران، ۱۴۰۴ق: ۱۰۸).

ب) قابلیت تملّک و انحصار

همان‌طورکه اشاره شد، سیستم ثبت نام دامنه به گونه‌ای طراحی شده که حق استفاده انحصاری از یک نام در یک دامنه خاص را به شخص یا نهاد ثبت‌کننده اعطا می‌کند. این حق انحصاری که از طریق قرارداد با مراجع ثبت (آیکان یا نمایندگان آن) ایجاد می‌شود، درواقع یک رابطهٔ مالکانه ایجاد می‌کند (ارزانیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۳). دارنده نام دامنه می‌تواند به‌صورت انحصاری از آن استفاده کند، دیگران را از استفاده بازدارد و در آن تصرّفات مالکانه داشته باشد. این انحصار به‌حدی است که حتی اگر محتوای سایت مرتبط با یک نام دامنه کاملاً غیرتجاری و غیرانتفاعی باشد، خود آن نام دامنه به دلیل همین ویژگی انحصاری، می‌تواند دارای ارزش اقتصادی باشد و به‌عنوان یک دارایی شناخته شود (سجادی و حیدری، ۱۴۰۲: ۴۸۶).

پ) قابلیت نقل‌وانتقال

واقعیت انکارناپذیر وجود یک بازار فعّال و تا حدی رسمی برای خرید و فروش نام‌های دامنه، بهترین گواه بر این قابلیت است. این نقل‌وانتقالات لزوماً در خلأ و به‌صورت غیررسمی رخ نمی‌دهد بلکه غالباً بر اساس قراردادهای نسبتاً استاندارد، با تعیین دقیق شرایط و با پرداخت مبالغ گاه کلان انجام می‌پذیرد. عرف تجاری بین‌المللی نیز به‌وضوح نام دامنه را به‌عنوان یک دارایی قابل معامله به رسمیت شناخته است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۷۵).

بنابراین، با تطبیق کامل بر سه معیار اصلی مالیت، می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که نام دامنه اینترنتی یک «مال» است.

۳-۲. ادلّه عامّ فقهی

برای پذیرش اجاره‌نام دامنه اینترنتی، دلایلی از منابع فقهی قابل استخراج است:

۳-۲-۱. اطلاق ادلّه صحّت اجاره

در منابع فقهی، ادلّه‌ای که بر صحّت اجاره دلالت دارند، مطلق هستند و شامل هر مالی که دارای منفعت حلال و قابل بقا باشد، می‌گردند. در حدیثی از امام صادق(علیه‌السلام) در تفسیر اجاره آمده است: «عَنِ الصَّادِقِ(عَلَيْهِ‌السَّلاَمُ): فِي وُجُوهِ مَعَايِشِ الْعِبَادِ ... وَ أَمَّا تَفْسِيرُ الْاجاره فَاجاره الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ أَوْ مَا يَمْلِكُهُ أَوْ يَلِي أَمْرَهُ مِنْ قَرَابَتِهِ أَوْ دَابَّتِهِ أَوْ ثَوْبِهِ بِوَجْهِ الْحَلاَلِ» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج۱۹: ۱۰۱).

در این روایت، امام در خصوص اینکه چه‌چیزی را می‌توان اجاره داد، به‌جای آنکه مصادیق

خاصی را برشمارند، با تعبیر «ما یَمْلِکُهُ» معیاری کلی ارائه می‌دهند. اطلاق این تعبیر نشان می‌دهد که هر آنچه انسان مالک آن باشد، اعم از عین مادّی یا حق مالی، قابلیت اجاره دارد.

۳-۲-۲. قاعده تسلیط

قاعده «النَّاسُ مُسَلَّطُونَ عَلَی أَمْوَالِهِمْ» (مردم بر اموال خود سلطه دارند) از قواعد مسلّم فقهی است که بر اساس آن، هرکس می‌تواند در مال خود هرگونه تصرّف مشروعی انجام دهد. این قاعده شامل همه اموال ـ اعم از مادّی و غیرمادّی ـ می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۴۷۶). بر اساس این قاعده، مالک یک حق مالی می‌تواند منافع آن را به دیگری واگذار کند، مگر آنکه دلیل خاصّی بر منع وجود داشته باشد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج۱: ۳۴۴). ازآنجاکه قانون و حکم شرعی بر منع اجاره حق وجود ندارد، این قاعده، جواز چنین معامله‌ای را اثبات می‌کند.

۳-۲-۳. سیره عقلا

سیره عقلا از ادله معتبر در فقه امامیه است. امروزه سیره عقلا بر این جاری است که حقوق مالی را به‌عنوان اموال تلقّی کرده و آن‌ها را مورد معامله قرار می‌دهند. این سیره می‌تواند مبنای صحّت اجاره حق قرار گیرد؛ اما باید میان دو کاربرد متفاوت آن تفکیک قائل شد:

یکم: جریان سیره در مقام اثبات «حکم» شرعی. در این صورت، سیره به‌تنهایی حجّیت ندارد و نیازمند امضاء یا عدم ردع شارع است.

دوم: جریان سیره در مقام «تنقیح موضوع» و تعیین مصداق یک عنوان کلّی شرعی. در این حالت، سیره بی‌نیاز از امضای شارع است؛ زیرا شارع، عنوان کلّی را امضا کرده؛ اما تشخیص مصادیق آن را در هر عصر به عرف و عقلا واگذار نموده است؛ مانند تشخیص مصادیق «معروف» در نفقه یا مصادیق «بیع» و «عقد» که امروزه شامل بیع زمانی و عقد بیمه نیز می‌شود (لنکرانی، ۱۳۹۶: ۳۲۴).

در اجاره‌نام دامنه، سیره عقلا در حوزه «تنقیح موضوع» جریان می‌یابد. شارع، عنوان کلّی «مال» و عقد «اجاره» را امضاء کرده است. امروزه عقلا، نام دامنه را به دلیل ارزش اقتصادی، قابلیت تملّک انحصاری و نقل‌وانتقال، مصداق «مال» می‌دانند (سجادی و حیدری، ۱۴۰۲: ۴۸۶) و برخی اشاره کرده‌اند که نام دامنه را می‌توان به اجاره داد (صادقی نشاط، ۱۳۹۳: ۱۹۴). ازآنجاکه شارع هرگز این عناوین را محدود به اموال مادّی ننموده و در مقام ردع نیز برنیامده است، از سیره یادشده برای اثبات صحّت اجاره می‌توان استفاده نمود.

٤. چالش‌های پذیرش اجاره‌نام دامنه

بحث اجاره‌نام دامنه، مبحثی بدیع است که مطالعات چندانی حول آن صورت نگرفته است؛ بنابراین طبیعی است که چالش‌های چندانی برای آن مطرح نشده باشد؛ بنابراین این قسمت هم شامل چالش‌های مطرح‌شده از جانب حقوق‌دانان است و هم چالش‌هایی که ممکن است در آینده طرح شوند.

٤-١. چالش فقدان ماهیت مادّی

طاهر حبیب‌زاده در تحلیل خود از ماهیت حقوقی نام دامنه، به‌صراحت «اجاره‌نام دامنه» را رد می‌کند. نقد ایشان از این قرار است: «نظر به مدت‌داربودن قرارداد ثبت نام دامنه، ابتدا به نظر می‌رسد نام دامنه را می‌توان در قالب عقد اجاره تحلیل کرد: مدت معیّن، مبلغ معیّن، و عین مستأجره که عبارت است از نام دامنه. اما با توجه به اینکه نام دامنه عینیت ندارد، بنابراین نمی‌توان آن را در قالب عقد اجاره بحث نمود. مواد دیگر قانون مدنی نیز مانع از تحلیل نام دامنه در قالب عقد اجاره است؛ ازجمله ماده ۴۶۷ که مقرر می‌کند: مورد اجاره ممکن است اشیا یا حیوان یا انسان باشد. روشن است که نام دامنه جزو هیچ‌یک از این سه مصداق نیست. علاوه‌براین، روح مقرّرات مربوط به عقد اجاره حاکی از این است که مورد اجاره همواره ناظر بر منفعت ناشی از یک عین (وجود خارجی ملموس فیزیکی) است نه غیر آن و وجود عین یک ضرورت است» (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۹۰).

نقدوبررسی: برای عبور از این بن‌بست نظری و پاسخ به نقد وارده، باید چهارچوب تحلیل را گسترش داد و از محدوده تنگ «اجاره عین» خارج شد. راه‌حل پیشنهادی، تبیین رابطه مورد بحث در قالب «اجاره حق» است. این تبیین، همان‌طورکه پیش‌تر هم بیان شد، در چند گام منطقی صورت می‌گیرد:

گام اول، بازتأکید بر «مال بودن» نام دامنه است. نام دامنه دارای ارزش اقتصادی انکارناپذیر است، قابل تملّک شخصی است و در بازار به‌طور فعّال خرید و فروش می‌شود. این ویژگی‌ها، طبق تعاریف حقوقی، آن را در زمره اموال قرار می‌دهد؛ البته هنگام اجاره، «حقوق مالی» ناشی از آن است که به اجاره داده می‌شود، مانند حقّ اختراع یا حقّ تألیف، که وجود فیزیکی ندارند؛ اما وجود حقوقی و اقتصادی مستقل دارند. سجادی و حیدری نیز به‌درستی اشاره می‌کنند که عرف جامعه، نام دامنه را به سبب انحصار و ارزش اقتصادی‌اش، مال می‌شناسد (سجادی و حیدری، ۱۴۰۲: ۴۸۶).

گام دوم، تفکیک دقیق است. در «اجاره عین» سنتی، موضوع عقد، «عین» است (مانند خانه) و منفعتی که تملیک می‌شود، «استفاده از آن عین» است. اما در مورد یک حق مالی غیرمادّی، «عین»

به معنای سنتی وجود ندارد تا منفعت از آن منتزع شود. در اینجا، «خود حق» موضوعیت دارد. آنچه مالک نام دامنه‌دار است، یک «حق انحصاری استفاده» است؛ بنابراین، در قرارداد اجاره‌نام دامنه، آنچه موجر به مستأجر تملیک می‌کند، «منفعت ناشی از حق استفاده انحصاری از نام دامنه برای مدت معیّن» است، نه منفعتی که از یک عین خارجی گرفته شده باشد. این دقیقاً تعریف «اجاره حق» است؛ یعنی تملیک منفعت ناشی از یک حق (و نه یک عین) به دیگری در برابر عوض معلوم. در این تحلیل، مشکل «فقدان عینیت» کاملاً حل می‌شود؛ زیرا پایگاه منفعت یک «عین مادّی» نیست بلکه یک «حق» است.

٤-٢. چالش عدم تفکیک عین و منفعت

چالش دوم آن است که در حق، برخلاف عین مادّی، نمی‌توان میان «خود حق» و «منافع آن» تفکیک قائل شد؛ به‌گونه‌ای‌که منفعت به دیگری منتقل گردد؛ اما خود حق در مالیت مؤجر باقی بماند (جماعتی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج۴: ۲۵).

نقدوبررسی: برای رفع این اشکال باید میان «تفکیک تکوینی» و «تفکیک اعتباری» تمایز قائل شد. تفکیک تکوینی مربوط به اموال مادّی است که در عالم خارج وجود فیزیکی دارند. اما حق، امری اعتباری است. به تعبیر علامه طباطبایی، اموری از قبیل ملک و حق، اعتباریات بعد الاجتماع هستند که وجودشان به جعل و قرارداد وابسته است، نه به تحقّق خارجی (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۳۰۶)؛ بنابراین تحمیل قواعد فیزیکی بر حق، خلط مقام است.

با تکیه بر این مبنای کلی که حق امری اعتباری است و قواعد فیزیکی بر آن حاکم نیست، می‌توان گفت: تفکیک میان «اصل حق» و «منفعت آن» در عالم اعتبار ممکن است؛ چه آنکه در اعتباریات، «تفکیک اعتباری» ملاک است نه «تفکیک تکوینی». اکنون که این امکان ثابت شد، و با توجّه به اینکه ادلّه عامّ اجاره (مانند اطلاق «ما یَمْلِکُهُ» در روایت امام صادق(علیه‌السلام)) و قاعده تسلیط، چنین معامله‌ای را شامل می‌شوند، هیچ مانع شرعی یا قانونی برای اجاره حق ناشی از نام دامنه وجود ندارد.

٤-٣. چالش غرر و جهالت منفعت

مهم‌ترین چالش عملی که می‌تواند در مسیر اجاره‌نام دامنه قرار گیرد، اتهام غرر به دلیل نامعلوم‌بودن منافع آینده یک حق است. بر اساس قاعده «نَهی عَنِ الغَرَر» و ماده ۱۹۰ قانون مدنی، جهل به مورد معامله موجب بطلان عقد می‌شود. ممکن است گفته شود منافع حاصل از یک حق، ذاتاً غیرقابل اندازه‌گیری دقیق و پیش‌بینی قطعی در زمان انعقاد عقد است و این امر موجب غرر می‌گردد.

نقدوبررسی: این اشکال با تفکیک میان «جهل به مقدار» و «جهل به موضوع» قابل رفع است:

نخست: مورد عقد اجاره، منفعت است، نه سود قطعی آینده؛ بنابراین اگر مورد عقد با تعیین دقیق مدت، قلمرو و نحوه بهره‌برداری معلوم باشد و به‌عبارت‌دیگر قابلیت تعیین داشته باشد، جهل مرتفع می‌گردد. منفعت در اینجا منافع حاصل از حق است و هنگامی‌که حق، امری معلوم و معیّن باشد و محدوده استفاده از منافع آن مشخص گردد، جهل برطرف می‌شود و غرر منتفی می‌گردد.

دوم: در فقه، موارد متعددی وجود دارد که معامله بر روی منافع آینده با وجود نامعلوم‌بودن مقدار محصول، صحیح دانسته شده است. در عقد مزارعه، مالک زمین و عامل، محصول آینده را که در زمان عقد کاملاً نامعلوم است، بین خود تقسیم می‌کنند و این عقد صحیح است. در عقد مساقات نیز وضع به همین منوال است. همچنین در اجاره باغ برای استفاده از میوه‌ها، با وجود نامعلوم‌بودن مقدار میوه در زمان عقد، اجاره صحیح دانسته شده است. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که نامعلوم‌بودن مقدار منفعت، اگر با طرق عرفی قابل تعیین باشد، مانع صحّت عقد نیست.

٤-٤. چالش فقدان نص خاص

چالش محتمل دیگر اینکه در متون فقهی و حقوقی، تصریحی به جواز اجاره‌نام دامنه نشده است و این می‌تواند نشانه عدم امکان اجاره آن باشد؛ بنابراین اگر اجاره‌نام دامنه جایز بود، می‌بایست در منابع به آن اشاره می‌شد.

نقدوبررسی: فقدان تصریح در متون قدیمی، ناشی از عدم شیوع چنین مصادیقی در آن اعصار است، نه حرمت ذاتی آن. فقه امامیه همواره بر پویایی و انطباق قواعد کلی با مقتضیات زمان تأکید داشته است. قاعده «تسلیط» می‌توانند پشتوانه صحّت اجاره حق قرار گیرند.

دکتر گرجی می‌نویسد: «موضوعات اموری چون تجارت، بیع، عقد و غیرذلک، اموری هستند عرفی، حقیقت ثابتی ندارند تا مورد شک و شبهه مصداقی واقع شوند، بلکه به تبع مکان، زمان و سایر شرایط تغییر پیدا می‌کنند» (گرجی، ۱۳۸۶، ج۲: ۱۳).

این بیان نشان می‌دهد که نمی‌توان مفاهیم حقوقی را در قالب‌های ثابت و تغییرناپذیر محصور کرد. زمانی که یک حقّ مالی دارای منافع عقلایی و مشروع باشد، با استناد به عمومات صحّت معاملات و اصل حاکمیت اراده، می‌توان آن را موضوع عقد اجاره قرار داد. محدودکردن دایره شمول این عمومات به موارد منصوص، خلاف فلسفه حقوق و اهداف شارع در تشریع معاملات است.

نتیجه‌گیری

عقد اجاره به‌عنوان یکی از عقود مهم در نظام حقوقی ایران، به موجب آن منفعت مالی در برابر عوض به مستأجر تملیک می‌شود. پرسش اصلی این پژوهش آن بود که آیا نام دامنه اینترنتی ــ به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور و غیرمادّی ـ می‌تواند موضوع چنین عقدی واقع شود. برای پاسخ به این پرسش، لازم بود ابتدا ماهیت حقوقی نام دامنه و سپس قابلیت انطباق ارکان اجاره بر آن تحلیل گردد.

بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که نام دامنه اینترنتی واجد هر سه معیار اصلی مالیت (ارزش اقتصادی، قابلیت تملّک و قابلیت نقل‌وانتقال) است و عرف تجاری بین‌المللی نیز آن را به‌عنوان یک دارایی مستقل به‌رسمیت شناخته است. با پذیرش نظریه مرکّب حبیب‌زاده مبتنی بر مفهوم تناظر، می‌توان میان نام‌های دامنه دارای تناظر با علائم مشهور و فاقد آن تفکیک قائل شد. در دسته دوم که محل بحث اصلی این پژوهش است، نام دامنه یک دارایی مستقل محسوب شده و ذیل مفهوم عام مال قرار می‌گیرد.

از حیث تحلیل عقد اجاره نیز با تفکیک میان «موضوع عقد» (تملیک و تملّک) و «مورد عقد» (منفعت) و با تأکید بر این نکته که عین مستأجره صرفاً محل و منبع منفعت است نه مورد عقد، مشخص گردید که ملاک اصلی در اجاره، مادّی‌بودن شیء نیست بلکه بقای اصل مال و قابلیت بهره‌برداری تدریجی از منافع آن است. حقوق مالی ناشی از نام دامنه نیز چنین ویژگی‌ای دارد.

نوآوری اصلی این مقاله در تبیین نظریه «اجاره حق» به‌عنوان پاسخی به چالش فقدان عینیت است. براین‌اساس، آنچه در قرارداد اجاره‌نام دامنه تملیک می‌شود، «منفعت ناشی از حق استفاده انحصاری از نام دامنه» است و نه منفعتی که از یک عین خارجی گرفته شده باشد. همچنین با تفکیک میان «جهل به مقدار» و «جهل به موضوع» و با استناد به موارد مشابه در فقه، ثابت گردید که نامعلوم‌بودن مقدار دقیق منافع آینده، موجب غرر و بطلان عقد نمی‌گردد.

با استناد به ادلّه عامّ فقهی (اطلاق ادلّه صحّت اجاره، قاعده تسلیط، سیره عقلا) و نیز با پاسخ به چالش‌های چهارگانه (فقدان عینیت، عدم تفکیک عین و منفعت، غرر و جهالت منفعت، فقدان نص خاص) می‌توان نتیجه گرفت که اجاره‌نام دامنه اینترنتی به‌عنوان یک حق مالی دارای منافع عقلایی و مشروع، از نظر فقهی و حقوقی امری پذیرفتنی و قابل دفاع است.

پیشنهادها

با عنایت به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- توصیه تقنینی: پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با اصلاح ماده ۴۶۷ قانون مدنی یا تصویب ماده واحده‌ای درخصوص قراردادهای الکترونیکی، امکان اجاره حقوق مالی غیرمادّی (ازجمله نام

دامنه) را به‌صراحت به رسمیت بشناسد و شرایط آن را تعیین نماید.

۲- تنظیم قرارداد استاندارد: مراجع ثبت نام دامنه (مانند مرکز ثبت دامنه‌های کشوری) نسبت به تدوین و انتشار یک قرارداد نمونه و استاندارد برای «اجاره‌نام دامنه» اقدام نمایند تا طرفین با آگاهی از حقوق و تکالیف خود وارد معامله شوند.

۳- ایجاد نظام ثبت اجاره‌نامه: به‌منظور شفافیت و پیشگیری از اختلافات، پیشنهاد می‌شود سامانه‌ای برای ثبت اجاره‌نامه‌های دامنه ایجاد گردد تا مدت اجاره و حقوق مستأجر در برابر اشخاص ثالث قابل استناد باشد.

۴- پژوهش‌های آتی: انجام مطالعات تطبیقی با نظام‌های حقوقی (مانند نظام حقوقی آمریکا و اتحادیهٔ اروپا) درخصوص قواعد حاکم بر اجاره حقوق مالی دیجیتال و نیز پژوهش درخصوص امکان اعمال نهادهای مشابهی مانند «عاریه» و «وقف» بر نام دامنه، می‌تواند تکمیل‌کننده این پژوهش باشد.

منابع

آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۶ق). *حاشیة المکاسب*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

ارزانیان، نسترن و ایزدی، زهرا (۱۳۹۷). ضرورت ثبت‌نام دامنه اینترنتی از منظر قوانین ایران و فرانسه با نگاهی به نظرات استاد جعفری لنگرودی در رابطه با اموال. *دانشنامه‌های حقوقی*، (۱)، ۶۳-۱۶۳.

اصفهانی، محمدحسین (۱۴۲۷ق). *حاشیة المکاسب*. قم: ذوی القربی.

امامی، اسدالله (۱۳۹۷). *بررسی تحلیلی ـ تطبیقی قرارداد اجاره و قلمرو آن*. تهران: میزان.

امامی، حسن (۱۳۴۰). *حقوق مدنی*. تهران: اسلامیه.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۱ق). *المکاسب*. قم: دارالذخائر.

ثقفی، علی (۱۴۰۱). *بررسی فقهی و حقوقی اجاره اوراق سهام شرکت‌های سهامی*. (رساله دکتری)، دانشگاه قم.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *مجموعهٔ محشی قانون مدنی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.

جماعتی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق). *موسوعة الفقه الإسلامی طبقا لمذهب أهل البیت(علیهم‌السلام)*، قم: مؤسسة دایرةالمعارف فقه اسلامی.

حبیب‌زاده، طاهر (۱۳۹۸). تحلیل نام دامنه اینترنتی در گستره حقوق مالکیت فکری (معرفی تئوری مرکب با تکیه بر مفهوم تناظر). *حقوقی و فناوری اطلاعات*، ۱(۱)، ۶۶-۹۰.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة* قم: مؤسسة

آل البیت(علیهم‌السلام).
خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۲۰ق). *أجوبة الإستفتائات* بیروت: انتشارات دار الإسلامیه.
خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). *کتاب البیع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۹۲). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(رحمت‌الله‌علیه).
سجادی، سیدکمال و حیدری، مهتاب. (۱۴۰۲). حقوق مالکیت فکری نام دامنه. *مطالعات حقوق*، (۳۲).
شیرازی، محمدتقی بن محبعلی (۱۳۷۰). *حاشیة المکاسب*. قم: الشریف الرضی.
صادقی نشاط، امیر (۱۳۹۳). حق سرقفلی در فروشگاه‌های مجازی. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۵(۱).
صادقی، محسن (۱۳۸۶). بررسی نام‌های دامنه از منظر حقوق مالکیت فکری با نگاهی به حقوق ایران. *فقه و حقوق*، ۴(۱۳)، ۹۸-۱۰۲.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. قم: انتشارات صدرا.
طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *العروة الوثقی*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
طریحی، فخرالدین (۱۴۲۸). *مجمع البحرین*. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
عباسی، اسماعیل و نوده، مهدی (۱۳۹۳). بیع اموال فکری. *تحقیقات حقوقی آزاد*، ۷(۲۳)، ۶۱-۱۰۵.
عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). *آیات الأحکام*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.
فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۶). *مکاسب محرمه (لنکرانی)*. ج ۲، مرکز فقهی ائمه اطهار(علیهم‌السلام).
کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۴ق). *درس‌هایی از عقود معیّن*. تهران: گنج دانش.
گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *مقالات حقوقی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مدرسی، محمدرضا (۱۳۹۲). *مقالات فقهی (أجرت بر واجبات)*. قم: دارالتفسیر.
مدرسی، محمدرضا (۱۳۹۳). *البیع*. قم: دارالتفسیر.
ملکوتی، رسول (۱۳۹۷). *عقود معیّن*. تهران: میزان.
نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ق). *المکاسب و البیع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
نظام‌الملکی، جعفر و صادقی، محسن (۱۴۰۴ق). مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ثبت‌کننده نام دامنه در قبال نقض حقوق مالکیت فکری اشخاص ثالث. *بررسی‌های بازرگانی*، ۲۳(۱۳۰).
نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۳۹۳). *موضوع عقد و مورد معامله با تأکید بر عقد صلح*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.